

فرهنگی



هادی قطبی

نقش

علامه طباطبایی (ره)  
در حیات فکری  
انقلاب اسلامی

# نقش هدایتی

اشاره

هر انقلابی نیازمند زمینه‌ها و بسترها و مقدماتی است که پیروزی آن مرهون این زمینه‌ها و بسترهاست. انقلاب اسلامی ایران نیز مرهون زمینه‌سازی‌ها و فراهم آوردن مقدمات فرهنگی در میان توده‌های مردم بود که این کار به دست پرتوان عارف وارسته و مفسر کبیر قرآن علامه طباطبایی و شاگردان مبارز و انقلابی او انجام گرفت. هادی قطبی در مقاله‌ای که در ذیل می‌آید به نقش کارآمد و مؤثر و همت‌بی‌پایان و پنهان حضرت علامه اشاره کرده است.

و فرهنگی و در یک کلام «مکتبی» بود. انقلاب امام خمینی (ره) بیش از هر چیز، مرهون یک زمینه فرهنگی به وجود آمده بود. آماده سازی ملتی برای پذیرفتن نظرهای سیاسی و اجتماعی امام (ره)، که تا چندی قبل، با مبانی و اصول اسلامی آشنایی کافی نداشتند، با سایر کارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ایجاد انقلاب قابل مقایسه نیست. همچنین در تداوم آن

انقلاب اسلامی ایران، از پدیده‌های بی‌نظیر تاریخ اسلام است. جنبش‌هایی که پس از اسلام در کشورهای اسلامی رخ داده، هیچ کدام به اندازه انقلاب اسلامی ایران، تأثیرگذار نبوده است؛ چراکه پشتوانه چنین انقلابی، افزون بر حمایت‌های مردمی، برخورداری از اندیشه دینی و هدفمند بود و انقلاب ایران، تنها یک تغییر وضعیت سیاسی و حکومتی نبود، بلکه قبل از همه انقلابی فکری



**در عظمت کار آن  
مرد بزرگ همین  
بس که شاگردانی  
همچون شهید  
مطهری(ره) و شهید  
بهشتی(ره) داشته و  
دارد؛ که آثارشان  
همچنان نقش بسیار  
مؤثری در پویایی  
نهضت دارند.**

**نقش علمی علامه  
در پیروزی انقلاب،  
به حدی است که  
هنوز آثار وی درباره  
مسائل حکومتی و  
نظام اجتماعی مورد  
استفاده توده های  
مردم است.**

نیز کارهای فرهنگی نقش بسیار مؤثری را ایفا می کنند. فعالیت های فرهنگی بر خلاف فعالیت های سیاسی، از بازدهی درازمدت برخوردار است و برای به بار نشستن و دستیابی به اهداف فرهنگی و فکری، حتی باید سالها بگذرد. از همین رو افرادی که به کارهای فرهنگی می پردازند، از سوی اطرافیان و مردم زمانه خود، ناشناخته مانده، آن طور که شایسته است قدردانی نمی شوند. از جمله این افراد، علامه سید محمد حسین طباطبایی(ره) است. انقلاب اسلامی ایران، دستاورد دو حرکت بزرگ و الهی بود که یکی با تلاش و همت امام خمینی(ره) و دیگری با اراده علامه طباطبایی(ره) انجام گرفت و اگر گفته شود تلاش علامه و ارزش کار او، همانند نقش امام خمینی(ره) بود، هیچ گزاف نیست؛ چراکه هر انقلابی، پیش از حمایت های سیاسی و اجتماعی مردم، به پشتوانه فکری و فرهنگی محکمی نیاز دارد تا حرکت های سیاسی و اجتماعی، مؤثر واقع شود.

گام های آغازین در تحقق انقلاب اسلامی احیای معارف ناب اسلامی در آن زمان، کار هر کسی نبود و تنها کسی می توانست از عهده آن بر آید که بهترین و ناب ترین تفکرات اسلامی را دارا باشد؛ و او کسی جز علامه طباطبایی(ره) نبود. بخش عظیمی از مباحث و فعالیت های دینی جامعه آن روز - به ویژه در حوزه ها - حول محور فقه و اصول بود و این برای ملتی که می خواست طرحی نو دراندازد، کافی نبود. می بایست مسائل جدیدتری با استفاده از همان منابع اصیل دینی و اسلامی مطرح می شد، که توان مقابله با مکاتب جدید و بیگانه را داشته باشد.<sup>۱</sup> شجاعت علامه

در این باره، کم تر از شجاعت حضرت امام(ره) در ابعاد سیاسی نبود. همان گونه که کم تر کسی یافت می شد تا برابر عملکرد رژیم شاه شجاعانه ایستادگی کند و نامایمات را بر سر خود هموار سازد، وضعیت فرهنگی و فکری آن دوران نیز شبیه همین ماجرا بود. در عظمت کار آن مرد بزرگ همین بس که شاگردانی همچون شهید مطهری(ره) و شهید بهشتی(ره) داشته و دارد؛ که آثارشان همچنان نقش بسیار مؤثری در پویایی نهضت دارند. از جمله آثار فعالیت های علامه در طرح مباحث فکری و متناسب با نیازهای زمان، به ویژه در بعد فلسفه و تفسیر، محصول ارزشمند «تفسیر المیزان» در بیست جلد و «اصول فلسفه و روش رئالیسم» بود.

تفسیر المیزان به حدی مؤثر بود که از همان آغاز انتشار، بازتاب وسیعی در محافل علمی دنیای اسلام داشت. آن زمان استفاده از این کتاب برای گوینده و نویسنده به منظور تحقیق درباره مسائل جامعه - از حیث اقتصاد، سیاست، تاریخ و... - بسیار سودمند بود؛ چراکه این کتاب تنها تفسیر الفاظ و توضیح مفاهیم قرآنی نیست؛ بلکه به مناسبت، مباحث گوناگونی که لازمه یک جامعه اسلامی است، در آن طرح شده است. شهید مطهری(ره) درباره منزلت این کتاب می گوید: «تفسیر المیزان همه اش با فکر نوشته نشد، من معتقدم که بسیاری از این مطالب از الهامات غیبی است. کم تر مشکلی در مسائل اسلامی و دینی برایم پیش آمده که کلید حل آن را در تفسیر المیزان پیدا نکرده باشم».<sup>۲</sup>

آری! تفسیر المیزان گامی در جهت مساعد شدن زمینه ایجاد انقلابی شکوهمند و موفق از سوی مردم بود. البته حضرت علامه(ره)،

افزون بر این کتاب عظیم، به مناسبت های گوناگون، به طرح مباحث حکومتی اسلام می پرداخت که بسیار مؤثر و مفید بود.<sup>۳</sup>

ایشان در زمینه شناخت مقتضیات زمان و مکان نیز بسیار کوشا بود. آیت الله جواد آملی در این باره می فرماید: «بعد از رحلت آیت الله العظمی بروجردی(ره)، جلسات درس فلسفه استاد جندی تعطیل و تبدیل به مباحثی جدید شد؛ بحث پیرامون حکومت اسلامی. مرحوم استاد مقالاتی در حکومت اسلامی نوشت و در مجموعه - کتاب - مرجعیت و روحانیت به چاپ رساندند و در آن مقاله یادآوری کردند که حکومت اسلامی، سیاستی توانا دارد. یکی از مسائلی که آن شبها مطرح بود و در جلسه تدریس هم بیان می کردند، مسأله ولایت فقیه و حکومت اسلامی بود».<sup>۴</sup>

علامه به حدی در تبیین مسائل اجتماعی و سیاسی اسلام فعال بود، که استاد شهید مرتضی مطهری(ره) شیوه خود را در حل مشکلات و معضلات اجتماعی، برگرفته از روحیه و روش ایشان می داند.<sup>۵</sup>

**مبارزه با مادی گرایی**  
در شهریور ۱۳۲۰ که قوای متفقین، کشور ایران را اشغال کردند، مارکسیست ها با پشتیبانی ارتش سرخ و سفارت شوروی سابق موفق شدند مکتب مادی گرایی را به شیوه های گوناگون در میان جوانان گسترش دهند و عقاید باطل و انحرافی خود را از طریق نشریات ضاله منتشر سازند. این اقدام موجب شد تا علامه طباطبایی(ره) با تشکیل جلسهای به نقد مکتب ماتریالیسم - به طور عام - و مارکسیسم - به طور خاص - پردازد. اعضای این جلسه که از سال ۱۳۳۰ تأسیس شد، شخصیت هایی چون



علمی، دینی و اجتماعی بود. در سال ۱۳۳۰ که حملات و تبلیغات مادی‌گری نویسندگان غیر متعهد در ایران رواج یافت و کم‌تر مقاله دینی یافت می‌شد که بتواند پاسخگوی نیازهای جامعه باشد، علامه با تشکیل انجمنی از فضلاء حوزه، مقالاتی را در موضوعات گوناگون منتشر کرد. افرادی چون شهید قدوسی، شهید مطهری، امام موسی صدر، آیت‌الله جعفر سبحانی امینی و آیت‌الله جعفر سبحانی در این جمع باشکوه علمی حضور داشتند.<sup>۹</sup>

مرحوم علامه افزون بر تدریس و تألیف، گام‌های مؤثری را در زمینه وحدت حوزه و دانشگاه برداشت و معارف اسلامی را به دانشگاه منتقل کرد. استاد مصباح در این باره می‌فرماید: «همت علامه (ره) به قدری بلند بود که فعالیت خود را منحصر در حوزه علمیه نکرد و در همان سال‌ها که بین حوزه و دانشگاه دیوار اعتقادی کشیده شده بود، و دستگاه حاکم هر روز بر استحکام این دیوار می‌افزود، شجاعانه با اساتید دانشگاه ارتباط برقرار کرده و برای آن‌ها جلسات بحث تشکیل داد».<sup>۱۰</sup>

علامه طباطبایی (ره) نقشی بسیار مؤثر و کارآمد در حوزه‌های علمیه - به ویژه قم - و حتی انقلاب اسلامی ایران داشته است. در آن روزگار که فضای الحاد و میدان‌داری روشنفکری و ایسته به بلوک شرق و غرب بود، کسی که توانست در مقابل این‌ها بایستد، حضرت علامه بود.<sup>۱۱</sup>

علامه همچنین در ایجاد وحدت میان شیعیان و اهل سنت، کوشش بسیار داشت. آیت‌الله جوادی آملی از شاگردان ایشان در این باره می‌فرماید: «اقداماتی که علامه در ایجاد الفت و هماهنگی بین مذاهب اسلامی داشت، فراوان است؛ چون یکی از

درس‌های ایشان خوشه‌ای نچیده باشد و یا از نوشته‌های عمیق و وزینشان بهره‌ای نبرده باشد».<sup>۷</sup>

آری! ایشان با آنکه در فلسفه، تفسیر و عرفان اشتغال داشت و تبحر او در این شاخه‌های علمی بود، اما در حدیث و فقه و اصول توانایی‌های ارزنده‌ای از خود بروز داد. شخصیت‌های برجسته‌ای چون شهید آیت‌الله قاضی طباطبایی (ره) از این عمو زاده و استادش، اجازه روایت داشتند.<sup>۸</sup>

### سهام علامه در حیات فکری انقلاب

حضور ۳۰ ساله علامه در حوزه علمیه قم، موجب رونق یافتن مباحث جدیدی شد. ایشان با تدریس معارف قرآنی و حکمت‌های الهی و نیز تشریح سیر و سلوک حقیقی و واقعی به مشرب قرآن و عترت، متناسب با زمینه‌ها و مقتضیات زمانه به بذرافشانی پرداخت و موفق شد شاگردانی تربیت کند که خود در مقام دانشورانی برجسته به تعلیم و تربیت مشتاقان معارف مشغول باشند. از جمله این شاگردان، می‌توان به شخصیت‌هایی چون: شهید مرتضی مطهری (ره)، شهید دکتر محمد حسین بهشتی (ره)، شهید قدوسی (ره)، شهید دکتر محمد مفتاح (ره)، ناصر مکارم شیرازی، نوری همدانی، ابراهیم امینی، جوادی آملی، حسن‌زاده آملی، مصباح یزدی، محمد رضا مهدوی کتی، جعفر سبحانی و... اشاره کرد؛ که نقش ارزنده آنان در پیروزی انقلاب و همراهی با حضرت امام (ره) در بعد از انقلاب، بر کسی پوشیده نیست.

از دیگر اقدامات علامه که زمینه را برای پذیرش نظامی اسلامی آماده می‌کرد، تشویق طلاب و فضلاء حوزه برای نوشتن مقالاتی در زمینه‌های

آیت‌الله مطهری (ره)، آیت‌الله دکتر بهشتی (ره)، دکتر محمد مفتاح (ره)، امام موسی صدر، آیت‌الله جعفر سبحانی، آیت‌الله ابراهیم امینی، و چند تن دیگر از دانشوران معاصر بود. از جمله محصولات بسیار ارزنده آن جلسات، انتشار کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» با تعلیقات و حواشی مرحوم استاد شهید مطهری (ره) بود، که ضربه سختی بر شالوده فکری مارکسیست‌ها در ایران وارد آورد.<sup>۶</sup>

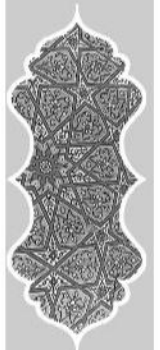
نکته‌ای که در باره شیوه مبارزه فکری علامه با مادی‌گرایی و تفکرات ضد دینی می‌توان به آن اشاره کرد، این است که ایشان برای طرح مباحث فلسفی و مبانی اندیشه اسلامی، روش فلسفه سنتی را کارآمد ندانسته، به طرح مباحث فلسفه تطبیقی روی آورد، که محصول آن، کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم است.

### شخصیت علامه

آنچه برای دیگران در زمینه شناخت علامه طباطبایی (ره) بسیار عجیب می‌نماید، جامعیت این عالم فرهیخته است. وی افزون بر فضایل اخلاقی و مقامات عرفانی و تخصص در فقه، اصول، حکمت متعالیه و آشنایی کامل با ادبیات فارسی، عربی و مهارت در ریاضیات، هندسه، هیئت و نجوم و پاره‌ای از علوم غربیه، از قدرت بیان و قلم و توان تبیین و تفهیم مسائل علمی در قالب بهترین عبارت، برخوردار بود و این جامعیت، موجب هر چه بهتر شدن انتقال مفاهیم و یافته‌های شخص علامه (ره) به نسل آینده می‌شد. از همین رو، استاد مصباح می‌فرماید: «علامه طباطبایی را باید بحق یکی از ارکان حوزه علمیه قم در عصر حاضر دانست و شاید کم‌تر اهل فضل یافت شود که یا از خرمن پر بار

**شاه قصد داشت به ایشان دکترای فلسفه بدهد، بر آشفت و اعلام کرد که به هیچ عنوان از دستگاه شاه، چنین چیزی را قبول نخواهد کرد.**

**علامه طباطبایی (ره) نقشی بسیار مؤثر و کارآمد در حوزه‌های علمیه - به ویژه قم - و حتی انقلاب اسلامی ایران داشته است. در آن روزگار که فضای الحاد و میدان‌داری روشنفکری و ایسته به بلوک شرق و غرب بود، کسی که توانست در مقابل این‌ها بایستد، حضرت علامه بود.**



مهم‌ترین راه‌ها برای هماهنگ کردن مذهب، تفسیر قرآن است و قرآن مورد پذیرش تمام مذاهب است. در تفسیر قرآن کوشیدند که ملل اسلامی را به عنوان امت واحده معرفی کنند و اختلاف‌هایی را که به اصل - دین - آسیب می‌رساند، برطرف کنند... علامه طباطبایی (ره)...

با تشریح سخنان اهل بیت (ع) کوشید که امت اسلامی را در برابر بلوک‌های شرق و غرب، امت واحد بکند تا این‌ها بتوانند در پرتو وحدت و استواری و استقامت، در قبال تمام واردات شرق و غرب بایستند و آسیب‌پذیر نباشند.<sup>۱۲</sup>

**نمونه‌ای از مبارزات حضرت علامه از اوضاع جامعه قبل از انقلاب بسیار ناراضی و از شاه و رژیم او منزجر بود. حتی هنگامی که شاه قصد داشت به ایشان دکترای فلسفه بدهد، برآشفته و اعلام کرد که به هیچ عنوان از دستگاه شاه، چنین چیزی را قبول نخواهد کرد. برخی از افسراد اصرار کردند که ایشان دکتر را بپذیرند؛ ولی با ممانعت علامه روبرو شدند. رئیس وقت دانشکده الهیات به علامه گفت: «اگر از پذیرش این عنوان امتناع نمایید، شاه عصبانی می‌شود و برایتان گرفتاری پیش می‌آید.» اما ایشان با صراحت جواب داد: «از شاه هیچ گونه واهمه‌ای ندارم و حاضر به قبول دکترای نیستم.»<sup>۱۳</sup> در زمان رژیم ستمشاهی، آمریکاییان نیز بسیار کوشیدند تا برای تدریس فلسفه شرق، ایشان را**

به یکی از دانشگاه‌های خود ببرند. دولت آمریکا برای عملی کردن این برنامه، به محمدرضا شاه متوسل شد. وی نیز از آیت الله العظمی بروجردی (ره) خواست که چنین موضوعی را به آگاهی علامه برساند. اما باز هم علامه نپذیرفت.<sup>۱۴</sup>

علامه حتی در سنین جوانی، به آگاه ساختن مردم می‌پرداخت و هنگامی که در روستای شاد آباد در اوایل دوران تحصیل زندگی می‌کرد، مراقبت از روابط اخلاقی مردم، توجه به مناسبات اجتماعی و نیز رشد فرهنگی و اعتلای اعتقادات آنان و رسیدگی به وضع معیشت و اقتصادی روستائیان را فراموش نکرد.<sup>۱۵</sup> طبیعی است که فردی با این روحیه بالا، از هیچ کوششی برای برچیدن بساط ظلم شاهنشاهی دریغ نرزد.

ایشان در کنار سایر فعالیت‌های علمی و اخلاقی خویش، در مبارزات سیاسی علمای بزرگ حوزه علمیه قم علیه استبداد و ستم شرکت داشت و از سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ ه.ش در نشست‌هایی که توسط فضلالی قم برگزار می‌شد، حضور می‌یافت و با بیان و قلم، تنفر خود را از ظلم و ستم اعلام می‌کرد. امام خمینی (ره) نیز به منظور سرنگونی رژیم شاه، بزرگان قم را برای مشورت در مسائل جاری کشور و اتخاذ تصمیم واحد به نشست‌های هفتگی فراخواند. علامه طباطبایی (ره) به همراه فقهای چون میرزا هاشم آملی (ره) و حاج شیخ مرتضی حائری (ره) و تنی چند از اساتید برجسته حوزه،

در گردهمایی یاد شده شرکت می‌کرد. یکی از این اقدامات، هنگامی بود که شاه قصد داشت با تغییر قانون اساسی، انتخابات را به نفع رژیم خاتمه دهد و این گروه طی اعلامیه‌ای ضمن ابراز مخالفت با آن، مردم را از توطئه‌ها و مقاصد شوم رژیم آگاه کردند.<sup>۱۶</sup>

**چکیده**

اساتید علامه طباطبایی (ره) و نیز شاگردان ممتاز وی، دارای فعالیت‌های بسی وقفه سیاسی بودند و شخص علامه با تاسی به اساتید بزرگ خود و نیز همکاری و تشویق شاگردان، نهضت عظیم علمی، فرهنگی و اجتماعی به راه انداخت؛ که موجب تقویت بنیه فکری و اعتقادی انقلاب اسلامی در داخل و خارج از کشور شد.

نقش علمی علامه در پیروزی انقلاب، به حدی است که هنوز آثار وی درباره مسایل حکومتی و نظام اجتماعی مورد استفاده توده‌های مردم است. و آنچه امروز از شاگردان وی در این زمینه به چشم می‌خورد، ثمره تلاش‌های علامه در کنار افرادی چون امام خمینی (ره)، آیت الله بروجردی (ره) و دیگر اساتید بنام حوزه علمیه قم است.

**پی‌نوشت‌ها**

۱. مرحوم علامه طباطبایی (ره) خود در این زمینه می‌گوید: «وقتی به قم آمدم، مطالعه‌ای در وضع تحصیلی حوزه کردم و یک فکری درباره نیاز جامعه اسلامی بین آن نیاز و آنچه موجود بود، چندان تناسبی ندیدم... اما در حوزه‌ها فقط فقه و اصول بود که

بخشی از محتوای سنت پیامبر و ائمه (علیهم‌السلام) را مورد بررسی قرار می‌داد؛ نه از فلسفه و معقول خبری بود و نه از تفسیر قرآن و نه از سایر بخش‌های کتاب و سنت. بر خودم لازم دیدم که یک درس فلسفه و یک درس تفسیر و یک درس اخلاق در حوزه شروع کنم». یادنامه علامه طباطبایی (ره)، ص ۱۹۶ و ۱۹۷.

۲. همان، ص ۲۰۰.
۳. از میان ۴۶ عنوان اثر استاد، برخی به مسائل حکومتی و روابط سیاسی و اجتماعی اسلام مربوط است، که عبارتند از: اسلام و اجتماع، شیعه در اسلام، بررسی‌های اسلامی (مجموعه مقالات و رساله‌های علامه)، آموزش دین، خلاصه تعالیم اسلام، روابط اجتماعی اسلام، عقاید و دستورات دینی، شیعه (مجموعه مذاکرات با پروفیسور هانری کربن) و رساله‌ای در حکومت اسلامی.
۴. علامه طباطبایی (ره) میزان معرفت، ص ۷۸.
۵. همان، ص ۷۹.
۶. ر. ک: یادنامه مفسر کبیر علامه طباطبایی (ره)، ص ۱۸۴ و ۱۸۵.
۷. روزنامه جمهوری اسلامی، ۳ آذر ۱۳۶۰. به نقل از جرعه‌های جانبخش، ص ۱۱۵.
۸. مجلس‌نشین قدس، ص ۹۶.
۹. ر. ک: یادنامه علامه طباطبایی (ره)، ص ۶۷ و ۶۸.
۱۰. یادنامه علامه طباطبایی (ره)، ص ۲۰۲.
۱۱. آیت الله مهدوی کنی، مجله حوزه، ش ۸۲، ص ۲۰ تا ۲۳.
۱۲. یادنامه علامه طباطبایی (ره)، ص ۵۶ و ۵۷. نقل از جرعه‌های جانبخش، ص ۳۳۵ و ۳۳۶.
۱۳. یادها و یادگاریها، ص ۵۲ و ۵۳. به نقل از علامه طباطبایی (ره) میزان معرفت.
۱۴. ر. ک: مهر تابان، ص ۲۸.
۱۵. ر. ک: زندگینامه علامه طباطبایی (ره)، مجله مطالعات مدیریت، ش ۱، ص ۱۲. نقل از جرعه‌های جانبخش، ص ۸۶.
۱۶. بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی (ره)، سیدحمید روحانی، ج ۱، ص ۳۰۲.